فرزاد پورسعید*

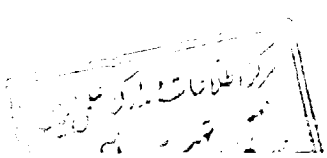
قابلیت‌های نظریه حکومتی امام خمینی (ره) برای روزآمدسازی اداره جامعه اسلامی.

وجه تمایز دنیای امروز از دنیای دیروز چیست؟ و چه ویژگی‌هایی، یک نظریه در باب حکومت را قادر به روزآمدسازی اداره جامعه می‌کند؟ که ما در پاسخ به این پرسش، به تشریح دو نگرش قدیم و جدید به هستی و تمایز آنها در تفسیر چیستی جهان، می‌پردازیم.

نگرش قدیم: طبق این نگرش، نظم موجود طبیعی است و از این جهت محسن است و قابل تقدیس. این جهان‌بینی که از آن به عنوان جهان‌بینی خیمه‌ای[1] یا مسقف یاد می‌شود، مبیّن این نکته است که شیوه‌های انتقال قدرت یا توزیع ثروت و حیثیت، از قواعد غیرقابل تغییر، پیروی می‌کنند و دخالت ارادهٔ انسانی در جهت تغییر آنها موجب اختلاف در مشیت الهی یا طبیعی می‌شود. البته امور دستخوش تحول هم می‌شوند ولی این امر یا ناشی از نواقص تصادفی است که در نظم جهان پدید می‌آید و یا به منظور بازگرداندن امور به مجاری اصلی و طبیعی آنهاست. نتیجهٔ ناگزیر این نگرش، ارزش شدن سکون و ثبات و ضدارزش شدن تغییر و دگرگونی است و فیلسوفی که به بهترین وجه، این نگرش را تئوریزه کرده است، افلاطون است و معروف به نظریهٔ افلاطونی صور یا مثل). «بر این اساس هر تغییری به معنای فساد و تباهی است و متناظر بر هر چیز عادی و انحطاط‌پذیر، چیزی در حد کمال وجود دارد که زوال‌ناپذیر و مثالی است. به نظر او گرایش کلی تاریخ به سود فساد است. اما می‌توان با توقف هرگونه تغییر سیاسی از فساد بیشتر در عرصهٔ سیاست جلوگیری کرد و راه‌حل آن ایجاد دولت متوقف است[2]»، یعنی دولتی که در حد توان از تغییرات سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند و مجری عدالت افلاطونی (قرار دادن هر چیز در جای خود) باشد. به همین دلیل است که افلاطون مخالف تحرک طبقاتی و لغو برده‌داری است. نظریهٔ جدایی دین از سیاست نیز، محصول ناگزیر همین نگرش است. بدین‌معنی که دین، امری قدسی است و امر قدسی با ثبات و سکون عجین است (به بیان افلاطون: سکون، ایزدی است). اما امور دنیوی متغیرند و تغییر

---

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی



موجب فساد است و بنابراین اگر دین به دنیا بپردازد، دچار زوال و سکولار می‌شود.

نگرش جدید: این نگرش، به هستی به مثابه وجودی می‌نگرد که خصیصه بارز آن، دگرگونی است. دنیای امروز هم متغیر است و هم می‌داند که متغیر است و از همه مهمتر اینکه، تغییر را امری مطلوب می‌پندارد. در این نگرش، جمود و سکون، موجب زوال و تغییر و تبدیل، موجب پویایی، سرزندگی و بالندگی می‌شود. نتیجهٔ این امر هندسی شدن تفکر و دید آدمی است که موجب می‌شود تا جهان را پیچیده و مرکب ببیند.

حضرت امام خمینی (ره) نیز با این نگرش جدید به دنیای امروز می‌نگریستند. بنابراین، دگرگونی و پیچیدگی، دو ویژگی مهم دنیای امروز هستند و حکومتی ماندگار و نهادینه می‌شود که سهم آنها را ادا کند و خود نیز دگرگون‌پذیر و پیچیده باشد. اما حکومتی دگرگون‌پذیر است که پرسش‌پذیر و تطبیق‌پذیر باشد یعنی حکومت خود را فراتر از چون و چرا نداند و باب نقد را بر روی خود نبندد. پروژه «ولایت مطلقه فقیه» در اندیشهٔ امام خمینی (ره) هم در تئوری نقدپذیر است و هم در عمل. در وجه تئوری حضرت امام، قائل به باز بودن باب اجتهاد در فقه حکومتی هستند. در مورد زمامداران حکومت، توصیهٔ ایشان، نقدپذیری و استقبال از اشکالات است. از سوی دیگر دنیای امروز مکانیسم‌هایی را تدارک دیده است تا حکومت را ابطال‌پذیر و ادواری کند یعنی کارگزاران و سیاستهای حکومت، بدون نیاز به قوهٔ قهر و خشونت، به واسطهٔ این مکانیسمها، تعویض می‌شوند. از جمله این شیوه‌ها، هم انتخابی بودن ولی فقیه (طبق تئوری ولایت مطلقه فقیه) و هم نظارت بر این نهاد و نیز انتخابات ادواری و نظارت است. در نظر امام (ره)، نافذ بودن حکم ولی فقیه متوقف بر انتخاب مردم است و خبرگان نیز یک نهاد ادواری است که ناظر بر اعمال ولایت است و ولایت مطلقه را ابطال‌پذیر کرده است. اما تأکید بر پرسش‌پذیری از آن روست که همواره باید نابهنگامی حکومت به او گوشزد شود و از او خواسته شود تا همگام با تغییرات محیطی و مقتضیات زمانی و مکانی خود را بهنگام کند و چنانچه حکومت پرسش‌پذیر یا ابطال‌پذیر نباشد، این امر میسر نخواهد شد. تطبیق یا انعطاف‌پذیری نیز بدین‌معنی است که یک نظریه در باب حکومت و حکومت مطلوب آن، باید قادر به پاسخگویی به مسائل مستحدثه باشند و انعطاف لازم را در هنگام بروز تغییرات از خود نشان دهند. برای این منظور باید در فرآیند تصمیم‌سازی، حکومت مکانیسمی تعبیه شود تا حکومت بتواند خود را در حین مواجهه با تحولات، باز تولید کند و با بن‌بست روبرو نشود.

دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان یک جزء پایدار از پروژهٔ «ولایت

مطلقه فقیه» از سوی امام خمینی (ره)، درواقع همان برآوردن مقصود ما از مکانیسم پیش گفته است. تعبیهٔ این مکانیسم در فرآیند تصمیم‌سازی حکومتی، در حقیقت به معنای معطوف ساختن شریعت به آثار و مقتضیات نهاد سیاست، در مواجهه با عناصر دنیای امروز است. امام خمینی (ره)، در نامهٔ مورخ ۱۳۶۸/۲/۴، در مورد کارکردهای مجمع، چنین نوشتند: «مجمع تشخیص مصلحت، برای حل معضلات نظام و مشورت رهبر به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد...[۳]» که عنوان حل معضلات نظام، همان کارکرد موردنظر، است و ولایت فقیه به واسطهٔ شناخت مصلحت و مقتضیات دنیای امروز در برابر فقه سنتی و رایج حوزه‌ها از اختیارات مطلق، برخوردار است. بنابراین، عنوان مصلحت، ولایت مطلقه فقیه را به یک حکومت فرافقهی، تبدیل کرده است، یعنی توجیه شرعی حکومت، کافی نیست بلکه لازم است تا حکومت از کارکردی مطلوب در مواجهه پیش‌بینی شده با تغییرات و معضلات حیطی، برخوردار باشد حتی اگر مجبور شود احکام شرعی را برای مدت موقت، تعطیل کند. بنابراین، دگرگون‌پذیری، در نهایت به معنای درنظر گرفتن زمان و مکان در تصمیم‌گیری و شناخت تغییرات موضوعات، در هنگام صدور حکم حکومتی است که امام نیز بر آن تصریح دارند. پیچیدگی نیز، مستلزم تعداد خرد واحدهای حکومتی و تنوع کارکردهاست و ابزارهای لازم را برای برخورد با دگرگونی‌ها در اختیار حکومت، قرار می‌دهد. توزیع اقتدار در خرد واحدهای متعدد، موجب می‌شود تا اگر یک یا چند خردواحد در مواجهه با مسأله‌ای جدید، کارکرد خود را از دست بدهند، واحدهای دیگر وارد عمل شوند و به حل معضلات بپردازند. می‌توان گفت که یک حکومت برای پیچیده شدن اولاً باید تخصص‌گرا باشد و دوم اینکه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، عقل جمعی را به کار گیرد. امام خمینی (ره) نیز تخصصی شدن امور را در تمامی روندهای سیاستگذاری پذیرفته‌اند و معتقد به رجوع به کارشناسان در تمامی زمینه‌ها هستند.

اگر دموکراسی‌های غیر دینی تنها در حوزهٔ علم است که به آراء عمومی مراجعه نمی‌شود، در حکومت اسلامی، علاوه بر حوزهٔ علم، در حوزهٔ احکام دینی هم به آراء عمومی رجوع نمی‌شود و این حوزه‌ها معطوف به تخصص است. البته طبق نظر حضرت امام (ره)، اجراء احکام شرعی معطوف به مصلحت جامعهٔ اسلامی است و در این وجه، نهاد ولایت که تشخیص‌دهنده مصلحت است، منتخب مردم است. از سوی دیگر، پیش‌بینی نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی، نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، ولی فقیه، مجلس خبرگان و در نهایت بازنگری قانون اساسی، این امکان را به

پروژه ولایت مطلقه فقیه می‌دهد تا در هنگام بروز یک مسألهٔ جدید یا یک معضل قانونی، هر یک به نوبهٔ خود و در زمان مناسب وارد عمل شوند و بقاء نظام را افزایش دهند و این بازتاب به کارگیری عقل جمعی در تئوری ولایت مطلقه فقیه هست. به خصوص مجلس خبرگان و شورای بازنگری قانون اساسی، موجب می‌شوند تا نظام از یک بحران و بن‌بست جدی مصون بماند. نیز رجوع به آراء مردم نیز به معنای شریک شدن در عقول آنهاست که در نظریهٔ حکومتی امام‌خمینی (ره)، پذیرفته شده است.

اما نکتهٔ پایانی اینکه، دگرگونی‌پذیری حکومت نباید موجب بی‌ثباتی آن شود. یعنی در حالی که حکومت تغییرپذیر است، حاکمیت تکثیرناپذیر، تغییرناپذیر و مطلق است. این ویژگی یکی دیگر از وجوه اطلاق در «ولایت مطلقه فقیه» است که امام (ره)از آن به عنوان وحدت رویه و عمل[۴]، یاد می‌کنند و معتقدند که حکم حکومتی برای مقلدین مراجع گوناگون و حتی خود آن مراجع لازم‌الاجراست. بنابراین، می‌توان ولایت را در این وجه، به معنای حاکمیت و هم‌طراز آن دانست.

یادداشت‌ها:

۱ـ فرهنگ رجایی، معرکه جهان‌بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، (تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب ۱۳۷۳)، ص ۴۰.

۲ـ کارل پوپر، جامعه باز و دشمنانش، ترجمه علی اصغر مهاجر، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تابستان ۱۳۶۹)، ص ۴۹ ـ ۴۵.

۳ـ صحیفهٔ نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ ۱۳، ج ۲۱، ص ۱۲۳.

۴ـ صحیفهٔ نور، ج ۲۱، ص ۴۷.